

بررسی شکل گیری پویش های اجتماعی از همراهی تابیی میلی مردم

چگونه یک پویش، ملی می شود؟

سیدعلیرضا طاهری خبرنگار

در سال‌های اخیر، پویش‌های ملی با هدف تغییر رفتار اجتماعی در ایران یکی پس از دیگری شکل گرفته‌اند، اما بسیاری از آن‌ها باوجود هزینه‌های کلان و تبلیغات گسترده، راه به جایی نبرده‌اند و بایب میلی مردم مواجهه شده‌اند؛ مانند پویش «نه به تصادف» که در نوروز امسال شکل گرفت؛ اما طبق گفته س‌سازمان پزشکی قانونی و با اعلام دقیق تعداد آمار فوتی‌های مسافرت‌های نوروزی در مقایسه با آمار سال گذشته، خبر از افزایش ۸٫۳ درصدی می‌دهد. در مقابل، پویشی مانند اهدای خون برای مردم بندرعباس پس از فاجعه انفجار بندر، با استقبال چشمگیر مردم به موفقیت دست می‌یابد. این تناقض، پرسشی کلیدی را به وجود می‌آورد که چرا برخی پویش‌ها می‌توانند مردم را بسا خود همراه کنند و برخی دیگر در پیچ‌وخم بی‌تفاوتی‌ها گم می‌شوند؟!

عباسعلی رهبر، استادتمام برجسته علوم سیاسی و تحلیلگر مسائل سیاسی و اجتماعی، در گفت‌وگو با «فرهیختگان» به این پرسش پاسخ می‌دهد. او با توضیح چگونگی شکل‌گیری یک پویش ملی، معتقد است موفقیت این حرکت‌ها به عوامل متعددی همچون همسویی با نیازهای واقعی مردم، اعتمادسازی و قدرت‌بخشی به حلقه‌های میانی جامعه بستگی دارد.

ایسین گفت‌وگو، به بررسی دلایل موفقیت یا ناکامسی پویش‌های ملی و چالش‌های آن پرداخته و در نهایت به این پرسشش که آیا امکان تغییر رفتار جمعی مردم از طریق کلان‌روایت‌ها در قالب پویش ممکن است یا نه پاسخ می‌دهد.

پویش‌ها بر اساس یک نیاز شروع می‌شوند

عباسعلی رهبر در خصوص کارویژه رسانه در عصر جدید و ماهیت پویش‌های اجتماعی و چرایی ضرورت آن‌ها گفت: «یکی از مسائل مهم دراین‌خصوص، نسبت جامعه و رسانه، همچنین نسبت سیاست و رسانه در قالب جامعه‌شناسیسیاسی رسانه است. به‌خصوص در فضا و شرایط جدیدی که در آن به سر می‌بریم. رسانه در این عصر کارویژه‌های مختلف و متنوعی را طی کرده است؛ در عرصه‌های متفاوتی از قبیل عرصه سیاست، عرصه مشارکت، عرصه اعتراضات، عرصه توسعه و در عرصه جامعه مدنی. امروزه یکی از کارکردهای جدید رسانه، بحث پویش‌هاست، پویش‌های اجتماعی، هر چند به‌ظاهر اجتماعی‌اند، اما به‌مثابه یک امر سیاسی تلقی می‌شوند. وقتی از پویش صحبت می‌کنیم، درواقع معنایی را در نظر گرفته‌ایم. پویش‌ها براساس نیازی شروع می‌شوند و آن نیاز را پوشش می‌دهند که بتواند به یک هدف تبدیل و سپس به یک حرکت هدفمند و درستی بدل شود. در فضای موجود می‌توان پویش‌های مختلف اجتماعی، مذهبی، تبلیغاتی، سیاسی را دید. اما شاید یکی از بحث‌های مهم در رابطه با پویش‌ها این است که چگونه عامه مردم بر اساس ارتباطات، شرایط فضای مجازی و اینترنت، می‌توانند مشارکت خود را در این زمینه‌نشان بدهند. در پویش، غیر از اهمیت مشارکت عامه مردم، بحث رفتار داوطلبانه نیز مهم است که بتوانند ترغیب و تشویق را در فعالیت‌های مبتنی بر پویش‌های اجتماعی صورت بدهند. در فضاسی تحولات اجتماعی و تحولاتی که می‌توانند کمک کند این رفتار داوطلبانه می‌تواند یک ابزار و وسیله مناسب در این زمینه باشد.»

نتایج پویش‌ها باید در دسترس باشد

او درخصوص شرایط کارایی و کارآمدی پویش‌های اجتماعی افزود: «پویش‌ها برای آنکه بتوانند کارآمدی و کارایی لازم داشته باشند، می‌بایست در آن‌ها به موضوعاتی توجه بشود. صرف اینکه ما سلیقه‌ای فکر کنیم و

بگوییم نه به تصادف! یا صرف اینکه بگوییم دو درجه کمتر یا موضوعات دیگر گفته شود دلیل نمی‌شود تغییر رفتار اجتماعی و اقناع عمومی انجام شده و پویش ما موفق شود. یک پویش اجتماعی برای کارایی و موفقیت شرایطی دارد؛ مانند روایتگری درست و توجه به احساسات مخاطبان.

همچنین می‌بایست اهداف کوتاه‌مدت قابل‌دسترس گفته شود تا بتوانیم وجودی خارجی برای آن ایجاد کنیم. همچنین بحث شفافیت در گزارش پویش از نکات مهم در این زمینه است. ما می‌بینیم پویش‌های مختلفی انجام می‌شود، اما مردم نمی‌دانند سرانجام این پویش چه شد. معمولاً در این زمینه کلی‌گویی صورت می‌گیرد. یکی از اشکالات این است که زمانی که پویش شروع می‌شود، به حال خود رها می‌شود. در حالی‌که اگر یک پویش شروع شود و تا نقطه نهایی، گزارش کار آن ارائه شود و سبب‌شناسی و علت‌شناسی صورت بگیرد این کار باعث می‌شود تجربه و نتیجه پویش در دسترس ما باشد. در آخر مردم باید این حس را داشته باشند که این پویش‌ها مال خودشان است، پویش مال مردم است و این حس تعلق را می‌بایست در این زمینه داشته باشند. این قسمت نظری در خصوص پویش‌هاست.»

پاسخ مردم به پویش‌های سیاست‌زده، «نه» است

وی با بررسی چرایی عدم موفقیت بعضی از پویش‌های شکل گرفته از سیاست‌زدگی بعضی از پویش‌ها انتقاد کرد و در این زمینه گفت: «اگر بخواهیم وارد وضعیت پویش‌ها در ایران بشویم، باید بررسی کنیم چه اتفاقاتی افتاده که بعضی از پویش‌ها زمینه‌های لازم و فضایی لازم برای بروز نداشتند. نکته این است که همه چیز از عینک و قاب سیاست‌زدگی دیده می‌شود، یعنی هر فعالیتی که بخواهد در یک فضایی انجام بشود، عده‌ای سریع می‌آیند ببینند که نسبت آن با سیاست و نسبت آن با قدرت رسمی چیست. خلق این دوگانگی، فضای پویش‌ها را دچار مسئله و مشکل می‌کند و به آن ضربه می‌زند. سیاست‌زدگی یعنی منافع عام را فدای منافع جناحی و گروهی کنید. صرفاً به‌خاطر تسو به‌حساب با یک گروه سیاسی یا تسو به‌حساب با دولت یا تسو به‌حساب با گروه یا نهادهای دیگر این پویش را راه‌اندازی کنند. این پویش برای نیاز مردم نیست، بلکه برای تخریب و تحقیر و حذف گروه اجتماعی سیاسی دیگر است، برای آن است که ناکارآمدی‌شان بخواهید نشان دهید. این در واقع به سیاست‌زدگی این پویش‌ها منجر شده و خودش را نشان می‌دهد و مردم نیز از این پویش‌ها به‌صورت فعالانه و داوطلبانه استقبال نمی‌کنند.»

برخی دولتمردان ما

به ظرفیت‌های مردمی‌باور ندارند

او با اشاره به دولت‌سالاری در دوره‌های مختلف از این ایده انتقاد کرده و راه موفقیت پویش‌ها را توجه به ظرفیت و اراده مردمی دانسته دراین‌خصوص توضیح داد: «نکته دیگر این است که برخی دولتمردان و مردان سیاسی ما به ظرفیت‌های مردمی‌باور ندارند. این پویش‌ها زمانی معنا می‌شود که به ظرفیت مردم باور داشته باشیم. برای مثال رهبر معظم انقلاب بارها به مشارکت مردم در قالب اقتصاد مقاومتی و امور مختلف اشاره کرده‌اند، حتی ایشان بحث حلقه‌های میانی را نیز دراین‌خصوص مطرح کردند. اما به نظر می‌رسد ذهنیت دولت‌سالاری که در دولت‌های مختلف در فضای اجتماعی و سیاسی ما وجود داشته مانع تحقق این پویش‌ها شده است. اگر بخواهیم پویش‌ها به جریان بیفتد، باید مردمی‌سازی را در پویش‌ها خیلی جدی بگیریم. همچنین بحث خودتاکایی و استفاده از ابزارها و وسایل نرم می‌تواند در این زمینه وجود داشته باشد. از مشکلات دیگر عدم تحقق پویش‌ها، مسئله فرهنگ مشارکت است. پویش اجتماعی جزئی از یک

فرهنگ مشترک کلان اجتماعی است. زمانی که در اقتصاد، در سیاست فرهنگ مشارکت ضعیف است، نمی‌شود از پویش‌های اجتماعی انتظار داشت قوی باشند. این‌ها به یکدیگر مرتبط است.»

حلقه‌های میانی جامعه مدنی باید قدرتمند شوند

عباسعلی رهبر با اشاره به ضرورت شناسنامه‌دار بودن پویش‌های مردمی از لزوم قدرتمند شدن حلقه‌های میانی بیان کرد: «متولی پویش‌ها هر چند ممکن است مردم یا قسمت‌هایی از حلقه‌های جامعه مدنی باشند؛ اما این پویش‌ها باید شناسنامه داشته باشند. علاوه بر شناسنامه‌دار بودن، افراد مورداعتماد مردم خیلی می‌توانند به پویش‌های اجتماعی کمک کرده و بر آن تأثیر بگذارند. در زمانی که احزاب قوی و متنفذ نداریم نقش پویش‌ها بسیار مهم است. پویش‌ها می‌توانند در حل مسائل اجتماعی و عمومی ما کمک کنند. همچنین ابزارهایی که در یک پویش می‌تواند مورداستفاده قرار بگیرد بسیار مهم است، برای مثال زبان ساده، زبان قابل فهم یا محتوای جذاب که البته در اکثر موارد از این موارد غافل هستیم.»

رسانه در فرهنگ‌سازی نقش بسزایی دارد

این استادتمام با اشاره به نقش رسانه‌ها در فرهنگ‌سازی و تغییر الگوی جمعی مردم توضیح داد: «احساس نیازمندی به پویش در قالب کمپین برای مردم به نظر می‌رسد روزبه‌روز دارد بیشتر موردتوجه قرار می‌گیرد. رسانه‌های ما می‌توانند در قسمت فرهنگ‌سازی پویش به برآورد موضوعات و مسائل مردم کمک کنند، به‌شرط آنکه قدرت‌های سیاست‌زده دنبال آن نباشند، افراد ذی‌نفوذ سیاسی در کنار آن نباشند. بدون رسانه نمی‌توان جامعه را معنادار کرد، یعنی با رسانه‌ها است که جامعه، جامعه‌سیاسی، جامعه اجتماعی معنادار می‌شود و در حال حاضر رسانه به‌عنوان یک عامل مهم و اثرگذار در تحولات ذهنی جامعه تلقی می‌شود. برای مثال مذاکره ایران و آمریکا، بیشتر از اینکه عینی باشد، بیشتر ذهنی و ادراکی است، ذهنیتی که توسط رسانه دارد صورت می‌گیرد. به‌خصوص رسانه‌های غالب و رسانه‌هایی که تولید اخبار می‌کنند. در زمینه پویش‌ها رسانه‌های مستقل و رسانه‌های آزاد و وابستگی‌های سیاست‌زده به جریان‌های قدرت نداشته باشند، می‌توانند در این قسمت کمک مهمی داشته باشند، به شرطی که مسئله‌شناسی درست و راهبرد درست بتوانند در این فضا ایجاد کنند.»

رسانه‌های ضدایرانی امکان مصادره مسائل واقعی مردم را ندارند

او با اشاره به نقش رسانه‌های ضدایرانی و سعی آن‌ها برای مصادره پویش‌ها به نفع خود افزود: «اگر پویش‌ها از درون مردم و برخاسته از نیازهای واقعی مردم باشد، خیلی از رسانه‌های بیگانه نمی‌توانند فضا را مدیریت کنند. رسانه‌های بیگانه صدایشان خیلی بلند است، اما تأثیرشان به‌اندازه صدایشان نیست. اگر زمینه‌های اعتمادسازی، زمینه‌های اثربخشی و احساس تعلق مردم (حس از آن خود بودن پویش) را در فضاهای مختلف بتوان نشان داد، آن هم نه زمانی که بحران رخ داده، بلکه قبل از بحران، در پویش‌ها یا در موضوعات دیگر خیلی می‌تواند در ترسیم صحنه به ما کمک کند. البته دشمنان در تلاشند تا هر حرکت مثبتی را تبدیل به یک نگاه منفی و مسئله را نمی‌بینیم، مسئله را پاک می‌کنیم، به‌هر حال مسائل یک روئندی دارند. مسائل نقطه شروع و نقطه پایان در یک مسیر دارند. تشخیص این مسائل در اتاق‌های فکر می‌تواند کمک کند که این پویش‌ها و این حلقه‌های میانی و این جامعه و این دولت‌ها زودتر از موقع بحران بتوانند فضای لازم را برای مردم آماده کنند.»

یکی از چالش‌های هوش مصنوعی عدم شناخت براساس فرهنگ متناسب است

حوزه دیگری که به نظر می‌رسد چالش برانگیز باشد، خلأهای اخلاقی است که ممکن است در استفاده از هوش مصنوعی رخ دهد. هوش مصنوعی ممکن است مبانی اخلاقی درست و متناسب با فرهنگ، جغرافیا و آداب‌ورسوم هر منطقه را بدرستی در نظر نگیرد. مثلاً ممکن است دستورالعملی که به‌فردی در تهران در باره رابطه با همسرش داده می‌شود، به همان شکل و بدون تغییر به‌فردی در خوزستان،

حس حکومتی بودن که تلقین و القا می‌شود اثر خودش را از دست بدهد.» او همچنین در خصوص امکان استفاده از هوش مصنوعی در این زمینه گفت: «شاید استفاده از هوش مصنوعی و داده‌های آن و استفاده از ظرفیت‌های علوم‌شناختی بتواند ما را کمک کند که بدون واسطه و بدون شرایط سیاست، مردم مستقیم بتوانند پویش را خودشان اداره و اراده کنند.»

دولتمردان باید با یک آینده‌نگری و آینده‌پژوهی، مشکلات و مسائل مردم را پیش‌بینی کنند

عباسعلی رهبر با اشاره به تدریجی‌بودن فرهنگ‌سازی از لزوم آینده‌پژوهی و احصای مسائل و نیازهای مردم بیان کرد: «اولاً فرهنگ‌سازی تدریجی است، فرهنگ‌سازی دفعتاً اتفاق نمی‌افتد. بالآخره مردم دوست دارند تصادف نشود، مردم دوست دارند آب و برقشان به‌خاطر کمبود انرژی قطع نشود. اما این فرهنگ‌سازی را نمی‌شود یک‌دفعه در بحران‌ها در نظر گرفت. دولتمردان ما باید با یک آینده‌نگری و آینده‌پژوهی، مشکلات و مسائل پیش‌بینی کرده و آن‌ها را نگذارند شب امتحان برای مردم تشریح کنند. اگر در طول سال سه مسئله مهم و ضروری مردم را شناسایی کنیم و مسائل را در طول سال به پویش تبدیل کنیم، قطعاً نگاه فضای مردم متفاوت خواهد شد. به این نکته نیز باید دقت کرد که برای موفقیت یک پویش نیاز به ارتقای اعتماد عمومی، نیاز به صداقت و کارآمدی مدیران و بسیاری از مسئولان داریم. ما در زمان جنگ هم پویش داشتیم، برای مثال با یک فرمان حضرت امام(ره) بسا یک درود و یک تحلی هنری، مردم می‌رفتند به سمت میدان مبارزه، یک‌دفعه جبهه‌ها پر می‌شد یا در همین جمعه نصر، تنها چند روز قبل از آن صحبت‌هایی شد، مردم احساس کردند که برای حمایت از ایران باید بیایند در وسط صحنه کشور ونظامشان، برای همین این نمازجمعه خیلی متفاوت شد و ما را یاد نمازجمعه‌های ایام گذشته انداخت.»

او همچنین با انتقاد از عدم آینده‌پژوهی و آینده‌نگری روشمند در ساختار برخی دولت‌ها این چنین اضافه کرد: «یکی از انتقادات وارده به برخی از کارگزاران در حوزه‌های وزارتخانه‌ها و فضای دیگر این است که آینده‌پژوهی روشمند نسبت به مشکلات و مسائل ندارند. اگر در طول زمان این اتفاق بیفتد، قطعاً می‌تواند راهگشا باشد، برای مثال ما در تابستان، دوباره بحث تصادفات را داریم؛ اما در حال حاضر هیچ خبری در این خصوص وجود ندارد، تا چند روز قبل از سفرهای تابستانی که پویش‌هایی مانند نه به تصادف آغاز می‌شود. یا مثلاً ما بحث مهمی سه نام اربعین را در پیش داریم. ما می‌توانیم یک پویش برای اربعین راه‌اندازی کنیم که جلوه دیگری از اربعین در داخل یا در خارج داشته باشد. این پویش‌ها در حال حاضر دیده نمی‌شوند مگر چند روز قبل از شروع اربعین، لذا پیش‌بینی موضوعات و مسائل می‌تواند در موفقیت یک پویش و فرهنگ‌سازی آن به ما کمک کند. نسبت به آینده، راه‌اندازی اتاق‌های فکر خیلی مهم است. یک‌سری موضوعات و مسائل داریم که این موضوعات و مسائل هر سال مدام تکرار می‌شوند و دوره‌ای است، یعنی به‌خاطر فضای ژئوپلیتیکی، فضای سیاسی، فضای محیط‌زیستی و فضای فرهنگی که داریم، این اتفاق می‌افتد؛ لذا خیلی می‌تواند ما را کمک کند. تشخیص این مسائل که در واقع انباشته است، یعنی در طول این ۱۰ سال، ما راحت می‌توانیم به ۱۰ مسئله مهم و حیاتی پی‌بریم که هرسال مدام داریم با آن‌ها روبه‌رو می‌شویم. بعضی موقع‌ها مسئله را نمی‌بینیم، مسئله را پاک می‌کنیم، به‌هر حال مسائل یک روئندی دارند. مسائل نقطه شروع و نقطه پایان در یک مسیر دارند. تشخیص این مسائل در اتاق‌های فکر می‌تواند کمک کند که این پویش‌ها و این حلقه‌های میانی و این جامعه و این دولت‌ها زودتر از موقع بحران بتوانند فضای لازم را برای مردم آماده کنند.»

دوره

دوره

دوره

دوره

بندرعباس یاسیستان وبلوچستان ارائه‌شود؛ درحالی‌که شرایط فرهنگی واجتماعی این مناطق کاملاً متفاوت است. این موضوع ممکن است عوارضی نیز به‌همراه داشته باشد، مثلاً در مباحث اخلاقی که ممکن است به‌درستی رعایت نشود؛ از جمله در ارائه دستورالعمل‌ها و ملاحظات شرعی و اخلاقی. فضای دیگری که ممکن است به‌عنوان چالش مطرح شود، فضای همدلی است. وقتی فردی به یک‌مشاور مراجعه می‌کند، بخش مهمی از آزارشی که به‌دست می‌آورد، نتیجه همدلی و هم‌زبانی‌ای است که میان او و درمانگر شکل می‌گیرد؛ نتیجه بروریزیی احساسات یک رابطه انسانی واقعی است؛ جایی که فرد احساسات و حرف‌هایش را به اشتراک می‌گذارد. هوش مصنوعی احتمالاً نمی‌تواند این همدلی، هم‌زبانی و مشارکت احساسی را مانند یک انسان واقعی به‌وجود آورد یا به‌گونه‌ای طبیعی و واقعی رفتار کند. هوش مصنوعی در عرصه‌های مختلف در مان محدودیت‌هایی دارد؛ مانند شناخت ریشه‌ها، ارائه راهکارهای شخصی‌سازی‌شده، و ایجاد فضایی گفت‌وگو و همدلی. اما لازم است تأکید کنیم آنچه بیان کردم، به معنای این نیست که هوش مصنوعی در همه موارد و برای همه افراد یا این مشکلات رویبرو خواهد بود یا نمی‌تواند مورد موفقیت داشته باشد، بلکه، اگر افراد اراده جدی برای درمان داشته باشند، گاهی دستورالعمل‌هایی که هوش مصنوعی ارائه می‌دهد و اگر افراد آن‌ها را متناسب با خود و شرایط و فرهنگ و ارزش‌هایشان بپذیرند و جدی دنبال کنند، می‌تواند آن‌ها را از مراجعه به مشاور یا روان‌پزشکی بی‌نیاز کند. این اراده البته نیازمند داشتن یک دستورالعمل است و آن دستورالعمل می‌تواند توسط هوش مصنوعی در اختیار فرد قرار گیرد، به‌شرط آنکه شرایط، فرهنگ و اراده فرد متناسب‌سازی شود. با چنین فرایندی، احتمال تحقق در مان برای بسیاری از افراد وجود دارد.

با توجه به‌توان مالی پایین بسیاری از مردم برای پرداخت هزینه‌های مشاوره و در مان و همچنین حمایت‌ناکفی بیمه‌ها در کشور ما، احتمالاً بسیاری ناچار می‌شوند به چنین فضاهایی روی‌بیاورند تا مسائل خود را حل کنند. همچنین لازم است در نظر داشته باشیم که برخی افراد بارها تجربه مراجعه به مشاور یا تراپیست را داشته‌اند، اما ناکامی‌هایی را تجربه کرده‌اند، مثلاً احساس کرده‌اند که وقتی پشی مشاور رفته‌اند، حرف خاصی به آن‌ها زده نشده و مطالبی که گفته شده، در کتاب‌ها یا صفحه‌های اینستاگرامی قبلاً خوانده‌اند. این نگاه، متأسفانه ناشی از ضعف‌هایی است که در برخی مشاوران و روان‌شناسان و درمانگران وجود دارد. افراد گاهی به همین دلیل به دنبال راه‌حلی می‌گردند که هزینه کمتری داشته باشد و درعین حال بتواند تا حدی به آن‌ها کمک کند. نقص‌هایی مانند فقدان بصیرت یا فهم عمیق در برخی مشاوران نیز وجود دارد؛ بنابراین وقتی افراد تجربه خوبی از مشاوره نگرفته‌اند حرف تازه‌ای نشنیده‌اند یا تغییری در زندگی‌شان حاصل نشده، ممکن است بگویند برای چه باید هزینه کنیم؟ می‌رویم سراغ راه‌حلی که حداقل هزینه‌ای نداشته باشد.



می‌کند آن‌ها را بشناسد. شاید آن شخص هیچ‌گاه متوجه اهمیت آن‌ها نبوده، اما روان‌شناس با دقت و تجربه به‌توانسته است به آن‌ها دست یابد که معمولاً یکی از مهم‌ترین زمینه‌های مشکلات است. با توجه به این نکات، ضعف دیگر هوش مصنوعی در این حوزه می‌تواند ناتوانی در یافتن ریشه‌ها، طرح‌واره‌ها و اتفاقات عمیق و اثرگذار باشد که برای در مان روانی حیاتی هستند. واقعیت این است که هوش مصنوعی نمی‌تواند بصیرت لازم برای درک رفتار و کنش انسانی را داشته باشد و سپس دستورالعمل‌های متناسب و دقیق ارائه دهد یا وارد فضای در مان شود، بنابراین مشکل بعدی به‌نظر می‌رسد در حوزه تشخیص باشد، یعنی ممکن است ما در این مرحله دچار ضعف‌هایی شویم. البته بخشی از فرایند تشخیص در فضای در مان نیز اتفاق می‌افتد. منظور این است که وقتی فردی با یک روان‌شناس یا مشاور حرفه‌ای صحبت می‌کند، ذهنش باز می‌شود؛ همین گشایش ذهن، خود بخش بسیار مهمی از در مان به شمار می‌آید. برای مثال، فرض کنید فردی دچار عدم اعتمادنفس شدید است یا حتی کاملاً فاقد عزت نفس است. در فرایند مشاوره ممکن است این فرد ریشه‌های این مشکل را بشناسد، یعنی بفهمد چرا چنین حسی به او دست داده است. این شناخت ریشه‌ها به ناخودآگاه فرد کمک می‌کند تا در یابد بسیاری از این احساسات ممکن است بی‌اساس یا ساخته ذهن



سیدکامیل حسینی فعال تربیتی و جامعه‌شناس

روی آوردن به هوش مصنوعی برای در مان اختلالات، مشکلات روان‌شناختی و این‌گونه مسائل تا چه اندازه می‌تواند مثر ثمر باشد؟ آیا این فناوری می‌تواند جایگزین در مانگر انسانی شود یا خیر؟ برای در مان مشکلات مختلف رفتاری و شناختی، معمولاً نیاز است چند عامل به‌صورت هم‌زمان و در کنار هم اتفاق بیفتد. این عوامل چه هستند؟ یکی از مهم‌ترین آن‌ها، شاید انگیزه و اراده باشد. گام بزرگی برای حل بسیاری از مسائل، از جمله روابط زوجین و حتی مشکلات روان‌شناختی مثل افسردگی‌ها، اعتیاد و موارد مشابه، این است که فرد اراده کند و بخواهد مسئله را کنار بگذارد. ایجاد این اراده، می‌توان گفت از اصلی‌ترین گام‌هایی است که در روند در مان باید شکل بگیرد، مثلاً در مصاحبه یا گفت‌وگویی که با فرد صورت می‌گیرد، او باید اراده کند و بگوید: «من می‌خواهم این مسئله را حل کنم.» اما اگر این اراده در فرد وجود نداشته باشد، اینجا دقیقاً همان نقطه‌ای است که هوش مصنوعی ممکن است ضعف نشان دهد. این که هوش مصنوعی تا چه حد می‌تواند در این‌مسئمتی سوق دهد که اراده لازم برای تغییر را در خود ایجاد کند، محل تردید است. دلیل این تردید آن است رابطه‌ای که بین انسان وهوش مصنوعی برقرار می‌شود، رابطه‌ای انسانی و زنده نیست، مانند رابطه‌ای که بین دو انسان شکل می‌گیرد؛ بنابراین ممکن است گفت‌وگو با هوش مصنوعی نتواند نتیجه‌ای مطلوب و موثر به بار آورد. این‌یک نقطه ضعف بالقوه است، یعنی در نبود رابطه انسانی واقعی، ایجاد یا تقویت اراده تغییر، امید دادن به فرد در برابر ناامیدی‌هایش وحمايت عاطفی ممکن است به‌درستی انجام نشود.

هوش مصنوعی در شناخت طرح‌واره‌ها ضعیف است

حوزه بعدی که به نظر می‌رسد هوش مصنوعی در آن کمتر می‌تواند موفق باشد، مربوط به شناسایی زمینه‌ها و ریشه‌های عمیق مشکلات است. این زمینه‌ها ممکن است برخی مربوط به گذشته‌ای نزدیک باشند و برخی دیگر به گذشته‌ای دورتر برگردند، حتی به دوران کودکی فرد یا روابط والدینش یا اتفاقاتی که در زندگی‌اش رخ داده‌است. تشخیص این‌ها برای هرکسی آسان نیست ومعمولاً به‌تعبیری نیازمند بصیرت وتجربه روان‌شناس است؛ روان‌شناسی که شاخک‌هایی‌تیز شده و انسان را خوب می‌شناسد. گاهی فردی با مشکل روان‌شناختی به روان‌شناس مراجعه می‌کند، اما خودش از عمق ریشه‌های مشکل آگاهی ندارد. این روان‌شناس است که با پرسشش و یادآوری خاطرات، این ریشه‌ها را آشکار می‌کند و به فرد کمک